

مروری بر گفتمان اقتصاد مقاومتی در انقلاب اسلامی

روح الله ابراهیمی^۱، محمد کاظم کاوه پیشقدم^۲

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، گروه علوم سیاسی، شیراز، ایران، دانشجو مقطع دکتری
^۲ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، گروه علوم سیاسی، شیراز، ایران، استادیار

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

روح الله ابراهیمی

Ebrahimi.politycalscience@gmail.com

چکیده

گفتمان اقتصاد مقاومتی چند سال پیش توسط مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی ها مطرح شد. سپس سیاست های کلی آن ابلاغ شد. در واقع مشکلات اقتصادی کشور ناشی از تحریم های بین المللی و تکیه بیش از حد به نفت، باعث شد مقام معظم رهبری این گفتمان را مطرح کند. شاخص اصلی این گفتمان تکیه بر تولید ملی و سرمایه انسانی است. در همین راستا این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که اقتصاد مقاومتی چه جایگاهی در انقلاب اسلامی دارد؟ فرضیه این پژوهش اینگونه مطرح میشود که اقتصاد مقاومتی به دنبال یک راه حلی برای خارج شدن کشور از مشکلات و حرکت به سمت توسعه و رشد اقتصادی است. در این پژوهش با استفاده از روش نظریه گفتمان لاکلاو و موفه به بررسی این موضوع می پردازیم.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، انقلاب اسلامی و نظام اقتصاد جهانی

مقدمه

موضوع اقتصاد به ویژه علم اقتصاد از آغاز زندگی بشر با او همراه بوده است. رفتارهای اقتصادی انسان ریشه در نیازهای او دارد. با گذشت زمان، افزایش جمعیت، محدودیت منابع و نیز با افزایش و تنوع نیازها در فرایند تحولات جهانی و توسعه تمدن بشری، مسئله اقتصاد و تامین معاش و نیازمندی‌های رو به تزاید انسان دائما متحول و پیچیده تر می‌شود. به لحاظ اهمیت، مسئله اقتصاد در مکاتب مختلف با دیدگاه‌های متفاوت مبتنی بر جهان بینی‌های آنها تفسیرهای متعددی شده است. این موضوع در مکاتب مادی به هدف زندگی فردی و اجتماعی تبدیل شده است، به طوری که همه چیز را برای اقتصاد و تامین معاش و رفاه مادی و دنیوی پیگیری می‌کنند. در تاریخ تکامل علم اقتصاد مکاتب مختلفی از این نگرش‌ها برای تبیین رفتارهای اقتصادی بشر ظهور یافته‌اند و پس از مدتی با پیدایش دیدگاه‌های مکاتب جدیدتر حذف یا به حاشیه رفته‌اند (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۶).

در کنار این دیدگاه‌های مادی نگر، مکاتب الهی و آخرت نگر هستند که اقتصاد را نه هدف زندگی بشر بلکه وسیله‌ای برای حیات بشر می‌دانند تا با آن به هدف‌های متعالی دست یابند. در این دو دیدگاه مبانی دو نگاه به اقتصاد کاملا متفاوت است. بنابراین صاحبان اندیشه در این دو دیدگاه به راحتی نمی‌توانند همدیگر را در کنند و به ماهیت و وظیفه اقتصاد که علی القاعده باید در همه جوامع یکسان باشد، برسند.

این اختلاف زمانی تشدید می‌شود که اندیشمندان دو دیدگاه در منتهی الیه افراطی این نظرات قرار می‌گیرند. نفی آنچه که مادی نیست و ختم تمام راه‌ها به حیات دنیوی از یک سو و نپذیرفتن اقتصاد و تامین رفاه به عنوان یک اصل در زندگی بشر از سوی دیگر، منشاء عدم تفاهم‌ها و به تبع عدم استفاده از جنبه‌های مثبت هر دیدگاهی خواهد شد.

در این میان موضوع اصلی این است که واقعا مسئله اقتصاد چیست؟ در کجای زندگی بشر است و وظیفه آن چیست؟ و با تنگناها و بحران‌های اقتصادی ناشی از عوامل اقتصادی و سیاسی چگونه برخورد می‌شود. به خصوص اینکه گاهی اقتصاد به عامل فشار کشورهای معارض و رقیب تبدیل می‌شود.

این مقاله در صدد آن است که با تبیین موضوع اقتصاد مقاومتی به بررسی گفتمان این مقوله در انقلاب اسلامی بپردازد. اقتصاد مقاومتی موضوعی است که در سال‌های اخیر در پی فشارهای اقتصادی وارده به کشور تحت تحریم‌های مختلف از سوی رهبر ایران مطرح شده است.

گفتمان:

نظریه گفتمان ریشه در زبان شناسی دارد. که باید از شخصی به نام دوسوسور نام ببریم. از دیدگاه دوسوسور کلمات به تنهایی دارای بار معنایی و مفهومی نیستند. بلکه در ارتباط با یکدیگر هستند که دارای معنا و مفهوم می‌شوند. به عنوان مثال میز و صندلی دارای بار مفهومی نیستند. ولی در ارتباط با گج، تخته، معلم و دانش آموز دارای معنا میشوند و کلاس را تشکیل می‌دهند. یا چراغ سبز و قرمز و زرد دارای بار و مفهوم نیستند. بلکه در چارچوب چراغ راهنمایی معنا و مفهوم می‌بایند. گفتمان هم این اعتقاد دارد که در ارتباط با هم است که می‌توان به معنا و مفهوم رسید. به عبارت دیگر تنها از طریق گفتمان است که می‌توان جهان را فهمید. می‌توان گفت گفتمان به مفهوم مجموعه‌ای از قواعد، ضوابط و معانی در قالب نظام ساختارمند معرفتی در یک زمینه زبانی است. که بر تمام جوانب حیات اجتماعی اثر می‌گذارد و بازیگران از طریق آن جهان را درک می‌کنند. در واقع گفتمان نوعی ارتباط یا مفاهمه زبانی است که شکل آن را اهداف اجتماعی اش تعیین می‌کند. (مک دائل، ۱۳۸۰: ۶۹)

لاکلاو و موفه گفتمان را وارد حوزه سیاسی و اجتماعی کردند. از دیدگاه لاکلاو موفه تنها از طریق گفتمان است که می‌توان علم را جست و به جهان و ویژگی‌های آن پرداخت. در واقع تمام پدیده‌ها برای معنادار شدن باید در یک گفتمان قرار گیرند. و عناصر مختلف کنار هم جمع می‌شوند، و با مفصل بندی کنار هم گفتمان را بوجود می‌آورند و معنادار می‌شوند. در واقع هیچ چیز دارای معنا و هویت نیست جز اینکه در کنار عناصر دیگر معنا و مفهوم یابد و گفتمان را تشکیل دهد.

از دیدگاه لاکلاو موفه عناصر مختلف گفتمان عبارت است از:

۱- **مفصل بندی**: هر عملی که میان عناصر پراکنده در درون یک گفتمان ارتباط برقرار کند. به نحوی که هویت این عناصر اصلاح و تعدیل شود، مفصل بندی نامیده می‌شود. به عبارت دیگر ارتباط عناصر مختلف کنار هم که به آن‌ها هویت می‌دهد مفصل

بندی می گویند. به طور مثال گفتمان لیبرالیسم مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی، آزادی فردی و عقل گرایی را با هم مفصل بندی میکنند.

۲- **دال مرکزی**: هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می دهد. دال مرکزی نشانه ای است که سایر نشانه ها حول آن نظم میگیرند. نیروی جاذبه این هسته سایر نشانه ها را به خود جذب می کند. و سامان می دهد.

۳- **هژمونیک**: هویتی که در یک گفتمان دارای هژمون و استیلا می باید. در برابر هویت ها و گفتمان های دیگر، رفتار استیلاجویانه اغلب شامل به کارگیری قدرت است، زیرا طی آن یک پروژه سیاسی می کوشد تا خواسته خود را بر دیگران تحمیل نمایند.

۴- **دال های شناور**: دال های شناور نشانه هایی هستند که گفتمان های مختلف تلاش می کنند تا به شیوه خاص خود به آن معنا ببخشند.

۵- **قابلیت دسترسی**: گفتمان بتواند نظمی را در شرایط بی نظمی معرفی کند. بنابراین پیروزی این گفتمان محصول قابلیت دسترسی آن است. یعنی در دسترس بودن در زمینه و موقعیتی که هیچ گفتمان دیگری خود را به عنوان جایگزین واقعی هژمونیک نشان نداده بود.

۶- **قابلیت اعتبار**: پذیرش یک گفتمان شرط دیگری نیز دارد و آن قابلیت اعتبار است. یعنی اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول اساسی آن گروه اجتماعی ناسازگار باشد.

۷- **عناصر**: نشانه هایی هستند که معنای آن ها تثبیت نشده اند و گفتمان های مختلف سعی در معنادگی به آن ها را دارند. عناصر دال های شناوری هستند که هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته اند.

۸- **وقته ها**: وقته ها عبارت است از موقعیت و عناصری که در درون یک گفتمان مفصل بندی شده اند و به هویت و معنایی موقت دست یافته اند. نشانه هایی که حول دال مرکزی مفصل بندی می شوند وقته می نامند. وقته ها قبل از آنکه در یک گفتمان مفصل بندی شوند در حوزه گفتمانی قرار دارند و عنصر نامیده می شوند.

۹- **زنجیره هم ارزی**: گفتمان ها از طریق زنجیر هم ارزی تفاوت ها را می پوشند. در هم ارزی عناصر خصلت های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می دهند. و در معنایی که گفتمان ایجاد می کند منحل می شوند.

۱۰- **از جا شدگی**: از جاشدگی ها یا بی قرارگی ها حادث می شوند که حاصل رشد خصومت و ظهور غیریت و تکثر در جامعه اند. از جاشدگی تمایل به فروپاشی نظم و به هم ریختن گفتمان موجود دارد و جامعه را به سمت بحران می راند. آن ها در دنیای جدید تأثیری دو سوپه دارند از یک سو هویت های موجود را تهدید می کنند. و از سوی دیگر مبنایی هستند که هویت های جدید بر اساس آنها شکل میگیرد.

از جا شدگی امکان ظهور سوژه ها و مفصل بندی های جدید را فراهم می کند. بنابراین همواره ویژگی از جا شدگی وجود خواهد داشت. زیرا هیچ گفتمانی کاملاً تثبیت نمی شود. از جاشدگی زمانی اتفاق می افتد که گفتمان ها شروع به واگرایی می کنند. واگرایی گفتمان ها زمانی اتفاق می افتد که آشوب اجتماعی یا اقتصادی فراگیری حاصل شود و با چنین آشوب هایی موجب شوند تا سوژه ها احساس بحران هویت نمایند. در چنین شرایطی سوژه ها تلاش می نمایند تا از طریق مفصل بندی جدید و تعیین هویت با گفتمانی متفاوت، هویت و معانی اجتماعی خود را بازسازی نمایند.

۱۱- **ضدیت یا خصومت**: گفتمان ها در شرایط خصومت هستند که هویت می یابند. در واقع رابطه خصمانه برای تاسیس مرزهای سیاسی امری حیاتی محسوب می شود. اهمیت مفهوم خصومت یا ضدیت در آن است که هر چند در ارتباط با غیر هویت می باید. چرا که اشیا دارای ذات و هویت ثابتی نیستند و تنها در ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن برقرار می کنند هویت می یابند. همچنین خصومت گفتمان ها را تهدید می کند. و مانع عینیت و تثبیت گفتمان ها و هویت هاست.

هویت ها همواره در معرض نفی و طرد توسط غیر قرار داشته و هیچ گاه تثبیت نمی شوند. فرد به حسب موقعیت های مختلفی که گفتمان ها برای او ایجاد می کنند. ممکن است هویت های مختلف به خود بگیرند.

بیان مسئله

اقتصاد مقاومتی انگاره‌ای است که مقام معظم رهبری پس از تحریم‌های یکجانبه سال ۲۰۱۲ میلادی که اردوگاه غرب علیه ایران وضع کرد، مطرح نمودند. پیام اصلی این انگاره این است که وابستگی اقتصادی کشور به نفت کاهش یابد تا اینکه غرب نتواند از این ضعف استفاده کند و به منافع جمهوری اسلامی ایران ضربه بزند.

در واقع، اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل می‌گیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند.

اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته به طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و نامالیقات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند. این اقتصاد همانطور که یک اقتصاد خودکفا و خود اتکاست اما این خودکفایی به معنی منزوی بودن نیست.

توجه به تولیدات داخلی، استفاده از نیروی کار و سرمایه‌ی داخلی، اتکا بر اقتصاد «دانایی محور»، توجه خاص به تولید کالاهای اساسی و محصولات زیربنایی، مهمترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی‌اند. در اقتصاد مقاومتی، جهت گیری سیاست‌های تجاری به کشورهای همسایه معطوف است؛ به فعالیتهای اقتصادی همچون جهاد می‌نگریم؛ اصلاح الگوی مصرف و حرکت به سوی مصرف بهینه مدنظر است و توجه زیادی به تحقیقات کاربردی می‌شود (پیغامی، ۱۳۹۱: ۹۴).

در واقع اقتصاد مقاومتی در مقابل اقتصاد منزوی قرار دارد، اقتصاد مقاومتی از ویژگی استقلال و خودکفایی بهره‌مند است و تلاش می‌کند آسیب پذیری خود را به حداقل برساند و همچنین این اقتصاد، اقتصادی است که در تعامل با سایر اقتصادها قرار دارد، بدین معنی که این اقتصاد یک اقتصاد منزوی و بسته نیست.

دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری در دیدارها و سخنرانی‌های خود، در مورد اقتصاد مقاومتی تعریف‌هایی را ارائه داده‌اند، در اینجا تلاش شده تا به برخی از این دیدگاه‌ها اشاره شود. به عنوان نمونه: «بخش خصوصی را باید کمک کنند. اینکه ما اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تاکید و اهتمام و دقت و وسواس هر چه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزء کارهای اساسی شماست.

در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم توانیاش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود.

بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند.

یکی از شرایطش، استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود (سایت رهبری، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیات دولت ۱۳۹۱/۶/۲). به نظر می‌رسد که از الزامات اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ مردمی کردن اقتصاد، یعنی بخش خصوصی را توانمند کنند. کاهش وابستگی به نفت، این وابستگی میراث شوم صدساله ماست. با گسترش صنایع دانش بنیان این خلع را تا میزان زیادی بکنیم. مساله مدیریت مصرف یکی دیگر از ارکان و الزامات اقتصاد مقاومتی است، منظور از مدیریت مصرف یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. یکی دیگر از این موارد استفاده حداکثری از زمان و منابع است.

به علاوه رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارآفرینان کشور در ماه مبارک رمضان سال ۸۹ با اشاره به ضرورت توجه به مدل جدیدی از اقتصاد به نام اقتصاد مقاومتی تصریح کردند: «ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریم‌ها را دور می‌زنیم؛ بنده هم یقین دارم. ملت ایران و مسئولین کشور تحریم‌ها را دور می‌زنند، تحریم کنندگان را ناکام می‌کنند؛ مثل موارد دیگری که در سال‌های گذشته در زمینه‌های سیاسی بود

که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند.» (سایت رهبری، ۸۹).

شکل ۱ مدل نهایی مفاهیم و مقولات اقتصاد مقاومتی را از منظر رهبری نشان می‌دهد. با نگاه اول به مدل شاید مطلب خاصی از آن برداشت نشود. اما بررسی مفاهیم و کدها به عنوان سیاست‌ها و خط‌مشی‌های بسیار حیاتی، فهم و اهمیت جایگاه عناصر مدل را بیشتر نشان خواهد داد.



شکل (۱): مدل نهایی مفاهیم و مقولات اقتصاد مقاومتی از منظر رهبری (تراپ زاده و همکاران، ۱۳۹۳)

با دقت در بیانات مقام معظم رهبری، مؤلفه‌ها و محورهای زیر برای اقتصاد مقاومتی قابل استخراج است:

- ۱ - مفهوم اقتصاد مقاومتی
- حتی در شرایط فشار روند رو به رشد اقتصادی (و شکوفایی) در کشور محفوظ بماند.
- آسیب پذیری آن کاهش پیدا کند.
- در مقابل ترفندهای دشمنان کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند.
- ۲ - کارویژه‌های اقتصاد مقاومتی

شکل گیری اقتصاد مقاومتی نتایج مهمی خواهد داشت که در بیانات مقام معظم رهبری به آنها تصریح شده است (۱۳۹۱/۵/۸):

- ایجاد مقاومت اقتصادی در برابر فشار اقتصادی دشمن
- تضمین رشد اقتصادی در شرایط جنگ اقتصادی دشمن
- جلوگیری از بیکاری عوامل تولید و ایجاد شرایط اشتغال کامل
- ممانعت از ایجاد اختلال در رفاه عمومی
- حل مشکلات مردم
- دلگرمی مردم به نظام اسلامی

۳ - شرایط و الزامات اقتصاد مقاومتی

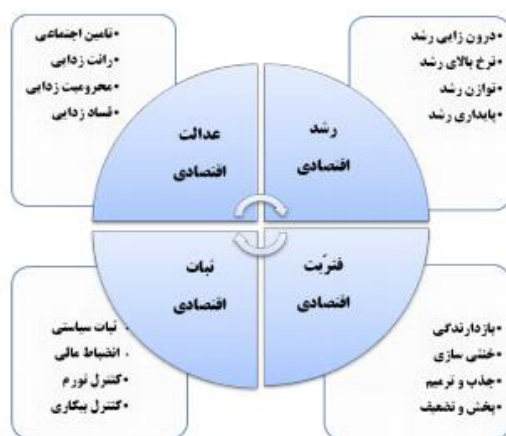
اقتصاد مقاومتی از نظر مقام معظم رهبری، شرایط و الزاماتی دارد (بیانات ۱۳۹۱/۵/۳):

- استفاده از همه ظرفیت های دولتی و مردمی
- مردمی کردن اقتصاد
- تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست های اصل ۴۴
- توانمندسازی بخش خصوصی
- کاهش وابستگی به نفت
- جایگزینی درآمدهای نفتی با درآمدهای غیرنفتی
- بنیان گذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش و تبدیل شدن اقتصاد دانش بنیان به وجه غالب اقتصاد کشور
- حمایت از تولید ملی
- فعال کردن واحدهای تولید کوچک و متوسط
- تعادل در مصرف و مدیریت مصرف با جایگزینی و ترجیح تولیدات داخلی با کالاهای خارجی
- مبارزه با مفاسد اقتصادی
- مدیریت درست منابع ارزی
- مدیریت مصرف و فرهنگ سازی برای جلوگیری از اسراف
- استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات
- حرکت بر اساس برنامه و پرهیز از تصمیم های خلق الساعه و تغییر مقررات
- صیانت از وحدت و همبستگی

ظرفیت های موجود کشور برای اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب ظرفیت های زیر را برای اقتصاد مقاومتی معرفی می فرماید (بیانات در ۱۳۹۱/۳/۲۴):

- وجود امکانات و ثروت داخلی
 - مردم خوب
 - منابع مالی موجود
 - منابع انسانی موجود و ملت جوان
 - عدم بدهکاری جهانی
 - محوریت تفکر دینی و جهت گیری دینی و اسلامی در حرکت کشور
 - وجود مسئولان معتقد به مبانی اسلام و انقلاب
 - امید به توفیق الهی برای دستیابی به پیشرفت محسوس و عدالت چشمگیر در دهه چهارم
- بر اساس مؤلفه هایی که از بیانات مقام معظم رهبری استخراج شد، می توان الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران را به صورت زیر پیشنهاد کرد:



الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران براساس بیانات رهبری (سیف، ۱۳۹۱: ۱۷).

این الگو بیانگر نگرشی ویژه به اقتصاد مقاومتی است که آن را از سایر نگرشها متمایز می کند. آنچه از اقتصاد مقاومتی به ذهن متبادر می شود الگویی برای شرایط غیرعادی مانند شرایط جنگ و بحران یا تحریم اقتصادی است. اما چنین الگویی، پس از برطرف شدن شرایط خاص، موضوعیت خود را از دست خواهد داد؛ لذا الگویی موقتی و اقتضایی است، در حالی که الگوی حاضر هم شرایط بحران و هم شرایط عادی را دربرمی گیرد.

در شرایط عادی، الگوی حاضر با برجسته کردن مؤلفه های رشد و عدالت و با توجه به برقراری شرایط ثبات اقتصادی در ایجاد شکوفایی و ایجاد رفاه همراه عدالت اهداف اساسی خود را دنبال می کند. در شرایط بحران نیز با برجسته سازی مؤلفه فنریت اقتصادی امکان تعقیب اهداف اساسی را فراهم خواهد کرد.

اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی

مقاومت، عمل یا عکس العمل مناسب مقابله در شرایط بروز ناملازمات، حوادث، بحران یا تحمل سختی ها و استقامت در مسیر رسیدن به اهداف است. اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در شرایط بروز ناملازمات، حوادث و بحران ها یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع بدهد.

وقتی بحث از اقتصاد مقاومتی می کنیم، تصور ما از اقتصاد، ریشه در جهان بینی توحیدی دارد و مقوله های مادی معیشت و معنویت را در تفسیر و الگوی خاصی دنبال می کند. اقتصاد اسلامی لزوماً اقتصاد مقاومتی هم هست. از طرفی اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت ها و قابلیت های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأم دارد.

علم اقتصاد حاصل مطالعات بشر و تجربیات او طی تاریخ است که شامل حوادث و بحران ها هم بوده است و با تغییر شرایط به خصوص در زمان بحران ها و سختی ها قابلیت انعطاف دارد و با تغییر الگوها، سیاست ها و ... می تواند تغییر روش داده یا برنامه ریزی جدید کند (اسدی، ۱۳۹۳: ۳۱).

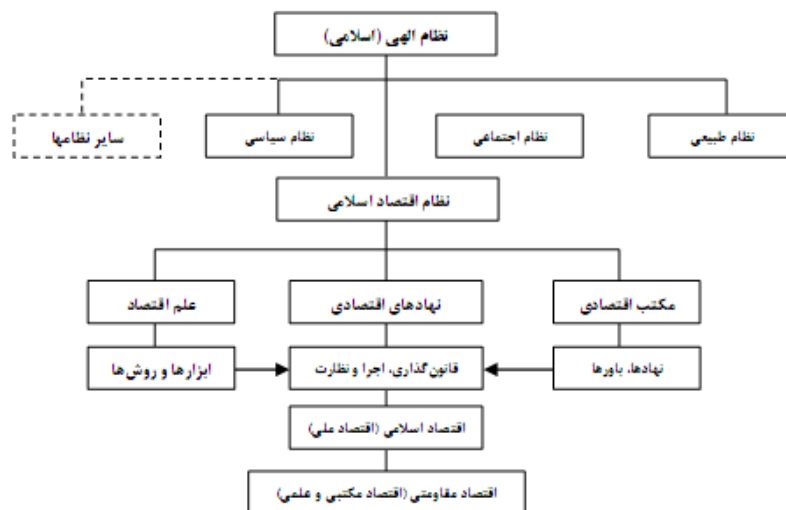
در علم اقتصاد و برنامه ریزی اقتصادی مفهوم و عمل مقاومت به معنای بهینه یابی در هر شرایطی نهفته است. گاهی بخشی از این قابلیت انعطاف را فنریت اقتصادی گفته اند (سیف، ۱۳۹۱ و Ficence, 2010 و Mcinroy and Longglands, 2010). به این معنا که در اقتصادها این قابلیت وجود دارد تا آسیب های وارده بر اقتصاد ناشی از شوک ها را ترمیم و تاحدودی به حالت قبل برگرداند.

حتی برخی این قابلیت را مورد سنجش قرار داده و اندازه گیری کرده اند (Briguglio et al, 2008). بخشی از این قابلیت و ظرفیت به اقدام و عمل برنامه ریزان و مدیران مربوط می شود که با برنامه ریزی و اصلاحات مداوم در آنها، می توانند اثر شرایط خاص را تعدیل کنند. از طرفی هم نظام اقتصاد اسلامی مبتنی بر مکتب اقتصادی است که خود برگرفته از مکتب الهی و ویژگی های آن است که مقاومت و استقامت برای دستیابی به اهداف به ویژه در سختی ها و بحران ها از دستورات و توصیه های موکد مکتبی است.

گفته می شود در مکتب اقتصاد اسلام، بحث از فلسفه خلقت، فلسفه حیات و آخرت و ... هست. در مکتب اخلاق هم، سیاست، فقه و فرهنگ وجود دارد و در یک کلام دین به عنوان برنامه زندگی از جانب خداوند است.

اگرچه واژه اقتصاد مقاومتی اصطلاح جدیدی است و بار ارزشی در فرهنگ دینی دارد، اما مفاهیم در این زمینه و اعمال و اقداماتی برای مقاومت در حوزه های گوناگون به ویژه در حوزه اقتصاد در دنیا بی سابقه نیست. در ادبیات اقتصادی مفاهیمی مثل اقتصاد مقاومت و یا قدرت اقتصادی فراوان وجود دارد. در واقع همه کشورهایی که به نوعی جنگ یا بحران های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده اند و برای توسعه، شرایط سختی را گذرانده اند اقتصاد خود را بر مبنای مقاومت برنامه ریزی کرده اند. برنامه ریزی اقتصادی آلمان، روسیه، انگلستان، ژاپن و ... در دوران جنگ های جهانی اول و دوم اقتصادهای مقاومتی بوده است. در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، با تمام اشکالات موجود و عدم درگیری کل توانمندی های اقتصادی و غیراقتصادی، اولویت بندی های برنامه های اقتصادی جمهوری اسلامی برای مقاومت تنظیم می شد. بنابراین تفاوت اقتصاد مقاومتی در کشورهای مختلف در شکل مقاومت، در مکتب ها و فرهنگ ها و اهداف آنهاست. اقتصاد مادی نگر فقط با ابزارهای اقتصادی و تدابیری مانند تغییر الویت های اقتصادی برنامه مقاومت را طراحی می کند. در مکاتب الهی و توحیدی علاوه بر استفاده از ابزارهای علمی برنامه ریزی اقتصادی، از ظرفیت های اعتقادی و ارزشی، نواقص برنامه ریزی های تخصصی را پوشش می دهد.

شکل ۲ فرایند نموداری از چارچوب مفهومی نظام اقتصادی اسلامی و مفهوم اقتصاد مقاومتی را در نظام اسلامی نشان می دهد.



شکل (۲): چارچوب مفهومی نظام اقتصاد اسلامی و مفهوم اقتصاد مقاومتی در نظام اسلامی (اسدی، ۱۳۹۳: ۳۳)

دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی اقتصادی مرتبط با موضوعات اقتصادی به عنوان ابزار سیاست خارجی می باشد. به طور خاص دیپلماسی اقتصادی مرتبط با به کار بردن توانایی های مادی از جمله تکنولوژی و پول و مذاکرات در مورد مسائل سیاسی با ابعاد اقتصادی از قبیل توافقات تجاری دوجانبه و چندجانبه در تعقیب منافع ملی است (Kumar, 2008: 5).

دیپلماسی اقتصادی در یک برداشت کلی به معنی استفاده از دیپلماسی برای اهداف اقتصادی است. به عبارت دیگر به منظور پیشبرد اهداف اقتصادی در صحنه رقابت جهانی استفاده از تمامی ابزارها از جمله دیپلماسی حائز اهمیت است. در واقع کشورهای جهان برای آنکه بتوانند منافع اقتصادی خود را در صحنه بین المللی تأمین کرده و سهم مناسب تری از فرصت های اقتصادی بگیرند، از روابط سیاسی و اهرم های سیاسی خود استفاده می کنند.

بنابراین در این راستا هدف روابط سیاسی این است که منافع یک کشور از جمله منافع اقتصادی آن تأمین شود. از آنجا که ابزارهای سیاسی و اقتصادی در چارچوب روابط خارجی دارای روابط متقابلی هستند، برای تأمین منافع ملی گاه باید از ابزارهای اقتصادی استفاده کرد (عادل، ۱۳۸۲: ۵۴).

بنابراین مهمترین هدف دستگاه سیاست خارجی کشورها، باید تعیین استراتژی‌های لازم برای توسعه و تعمیق روابط سیاسی با سایر کشورها باشد زیرا که بدون روابط سیاسی مناسب با دیگران نمی‌توان وجود روابط اقتصادی گسترده‌ای را انتظار داشت. در واقع، دیپلماسی اقتصادی به مفهوم کارکردی کردن دیپلماسی در عرصه اقتصادی و به کارگیری توانایی‌های بالقوه و بالفعل دیپلماسی برای تحقق اهداف اقتصادی کشورهاست (امینی و علمداری، ۱۳۸۸: ۱۶).

حاکم شدن منطق اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منافع جدیدی در منطقه و جهان برای کشور پدیدار ساخته و فرصت‌های نوینی را ایجاد می‌کند (جوادی ارجمندی، ۱۳۸۶: ۷۰). بر همین اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بر مبنای شاخص‌های موجود در دیپلماسی اقتصادی بیشتر سمت گیری اقتصادی بر بستری از اشتراکات فرهنگی بوده است.

در این چارچوب وضعیت اقتصادی ایران و مسائل اصلی دستور کار دیپلماسی اقتصادی، شامل برنامه‌های توسعه اقتصادی، توسعه روابط اقتصادی با دیگر کشورها و دستیابی به بازارهای صادراتی، تلاش جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مشکلات پیش رو، همکاری منطقه‌ای، دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران، وضعیت ذخایر نفت و گاز، الزامات و مسئولیت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران، ویژگی‌های ژئوپلیتیک ایران و منطقه قابل بررسی است.

ایران با اتکا به ویژگی‌های ممتاز خود مترصد آن است که به محور ترانزیت کالا، خدمات و مسافر در منطقه تبدیل شود (کیانی، ۱۳۸۹). یکی از اهداف و اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران در جهت کاستن از فضای تنش در روابط خارجی و ارتقای امنیت ملی، همکاری با کشورهای منطقه بوده است. وابستگی متقابل پیچیده و چند جانبه، کشورها را در وضعیت مشروط از حیث منافع آشکاری که به جهت تداوم روابط دوجانبه و چندجانبه دارند، قرار می‌دهد.

بنابراین با منافع ملی تصریح شده‌ای که همواره از طریق وجود ثبات داخلی برآورده می‌شود، هرکدام از کشورها را در تداوم آرامش و ثبات داخلی در کشور دیگر برخوردار از منافع انکارناپذیر می‌سازد و از جنبه ایجابی تأمین امنیت ملی را تسهیل می‌کند (پوراحمدی، و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۲۲).

این در حالی است که رویکرد خارجی ایران به واسطه نگاه غالب سیاست گذاران به بازیگران برخوردار از حاکمیت، دولت‌ها، به طور آشکار بازدارندگی مبتنی بر تقابل است که به عنوان گفتمان برتر مطرح است. این موضوع نشان می‌دهد که ایران به عنوان کشوری ایدئولوژیک که غالباً از جانب قدرت‌های جهانی به واسطه تهدید، تحریم و... با ماهیت آن مبارزه می‌شود، منفعلانه به ناچار سیاست خارجی‌اش جذب راه‌های مقابله با تحریم‌ها و جلوگیری از انزوا شده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۷).

در نتیجه فضای گفتمانی حاکم بر سیاست خارجی ایران متناسب با فضای گفتمانی تعامل نیست و همین امر منجر به عدم تناسب، عدم حضور نگاه اقتصادی کلان و بین المللی در جایگاه مناسب سیاستگذاری‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران است (گزارش جمهور، ۱۳۸۷: ۵). نگاهی به وضعیت ایران در عرصه اقتصاد جهانی می‌تواند الزام اتخاذ دیپلماسی اقتصادی مناسب را نمایان سازد.

در وضعیت موجود ایران با مشکلاتی در ارتباط با برقراری روابط بهینه اقتصادی با سایرین روبروست. از جمله اینکه ایران به جز سازمان ا.ک.و در هیچ سازمان منطقه‌ای اقتصادی دیگر عضو نیست و ا.ک.و نیز نتوانسته آن چنان موفق باشد، در منطقه خلیج فارس با کشورهای عرب منطقه نتوانسته به هیچ مکانیسمی از همکاری‌های منطقه‌ای دست یابد، با وجود سرمایه‌گذاری در بیش از دو دهه در عراق و افغانستان سهم شایسته‌ای از بازسازی این دو کشور به خود اختصاص نداده، به موافقت نامه جامعی در زمینه اقتصادی با مهمترین شریک تجاری اش یعنی اروپا نرسیده است، عدم استفاده از شرایط ژئوپلیتیک بی‌همتای خود و تبدیل شدن به مرکز صدور گاز به اروپا و ترانزیت انرژی از منطقه قفقاز و آسیای مرکزی به خلیج فارس و دریای عمان می‌باشد.

دیپلماسی اقتصادی به ایران توانایی استخراج منابع ملی و بین‌المللی را بخشیده و شرایط را برای قرار گرفتن ایران در کانون تحولات اقتصادی منطقه فراهم می‌سازد. بر این اساس ایران با داشتن چهار پیش شرط در زمینه دیپلماسی اقتصادی می‌تواند به این مهم دست یابد. این چهار پیش شرط شامل: شناخت دقیق وضعیت موجود در سطح ملی و بین‌المللی، اجماع نظر میان نخبگان پیرامون وضعیت مطلوب، شناخت عمیق قواعد بازی در سطح ملی و بین‌المللی و اعتقاد و التزام به عمل و نه شعار است.

بنابراین ایران نیازمند انجام مجموعه اقداماتی است که دستیابی آن را به دیپلماسی اقتصادی کارآمد فراهم نماید. اقدام در سطح ملی: (۱) بازتعریف دیپلماسی، (۲) بازتعریف وظایف دستگاه دیپلماسی و دیپلمات‌ها، (۳) ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های سیاسی و اقتصادی، (۴) توجه به بخش خصوصی.

اقدام در سطح بین المللی: ۱) اتخاذ استراتژی مناسب، ۲) توجه به ژئوپلتیک بی همتای ایران، ۳) ارتباط شایسته با سازمان ها و نهادهای بین المللی اقتصادی، ۴) شناخت بازارهای هدف و برنامه ریزی برای آن، ۵) جذب سرمایه گذاری خارجی و ۶) توجه ویژه به ایرانیان خارج از کشور (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). با توجه به موضوعات مطروحه، ایران با بهره گیری از مجموعه اقدامات یادشده در جهت نیل دسترسی به دیپلماسی اقتصادی و در نتیجه بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی خود عمل می کند. در واقع ایران برای داشتن اقتصاد مقاومتی، باید دارای دیپلماسی اقتصادی قوی باشد.

اقتصاد مقاومتی ایران در شرایط اقتصاد سیاسی جهان

اقتصاد سیاسی جهانی پس از پایان جنگ جهانی دوم حوزه های تجاری، مالی و سرمایه گذاری را در بر می گیرد. گسترش تجارت پس از جنگ جهانی دوم بین کشورها بسیار محسوس بوده است. نقش تجارت در ادغام اقتصادی کشورها و حذف عوامل مختل کننده قیمت ها در سطح جهانی منجر به تخصیص بهینه منابع در سطح ملی و بین المللی می شود، بنابراین سیاست تجارت آزاد در مقابل سیاست های درونگر و خودکفایی قرار داشته است و از طریق وابستگی اقتصادی متقابل کشورها فرآیند ادغام اقتصادی (جهانی شدن) را تسهیل می کند.

از جمله منافع حاصل از تجارت آزاد در این عصر می توان به فراهم آمدن زمینه اشتغال بهتر، دستیابی به بازارهای بزرگتر و کارآمدتر و بهینه کردن هزینه ها و دستیابی به سود بالاتر اشاره کرد (بهکیش، ۱۳۷۹: ۲۵۷-۲۵۶). یکی از ویژگی های جهانی شدن در دوران کنونی، ادغام گسترده بازارهای مالی ملی و گسترش دیگر فعالیت های بین المللی است.

در واقع استقلال و کارکرد بازارهای مالی ملی در عصر جهانی شدن به شدت تحت تاثیر عوامل مالی و پولی بین المللی کاهش یافته و کمترین نوسان یا تغییر در بازارهای مالی بزرگ آثار آن به نسبت در بازارهای مالی مختلف دنیا هویدا می گردد. این مساله یکی از زمینه های چالش حاکمیت ملی دولت ها در مدیریت ساختار مالی و پولی آنها به شمار می رود، فعالیت و سازگاری در این فضا از الزامات جهانی شدن اقتصاد است (معاونت سیاست خارجی و روابط بین الملل، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

سرمایه اعم از مالی و پولی موتور محرک اقتصادی توسعه اقتصادی است، پس از دهه هفتاد رشد سرمایه گذاری خارجی بسیار چشمگیر بوده است به گونه ای که از رشد تجارت پیشی گرفته و تا مرز بیش از دو برابر رشد و صادرات کالا و خدمات ارتقاء یافته است. شرکت های بین المللی و سرمایه گذاری از طریق سرمایه گذاری خارجی با انتقال سرمایه، انتقال فناوری جهت کارایی اقتصادی، مهیا کردن دسترسی به بازارهای خارجی و انتقال فنون و مهارت اقتصادی زمینه لازم را جهت استفاده بهینه از سرمایه خارجی برای توسعه و ادغام فراهم می آورند (پورا احمدی، ۱۳۸۲: ۶۰-۶۱).

با توجه به حوزه های مطرح شده در اقتصاد سیاسی جهانی، باید به این نکته اشاره شود که اقتصاد ایران هیچکدام از این حوزه ها را در بر نمی گیرد. با مطرح شدن اقتصاد مقاومتی در ایران و لزوم بازسازی اقتصاد کشور، در واقع این سیاست خواهان ارتباط با اقتصاد جهانی است. اقتصاد مقاومتی، پویا و فعال، به خارج از مرزها توجه داشته و با یک برنامه ریزی راهبردی ضمن تلاش برای خودکفایی کشور صادرات و رقابت در بازارهای جهانی را هم در افق برنامه های خود داشته است.

با توجه به سهم اندک جمهوری اسلامی ایران از تجارت جهانی رویکرد اقتصاد مقاومتی برای مقابله با تحریم های یکجانبه و افزایش امنیت سیاسی کشور توصیه می شود. اقتصاد مقاومتی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می گیرد. اقتصاد مقاومتی نمی پذیرد که صرفاً مصرف کننده باشد، منفعل نیست و برای ایستادگی در برابر جریان مقابل تلاش دارد با رویکردی فعال به ادغام و درهم تنیدگی اقتصاد سایر کشورها با خود میزان آسیب پذیری ها را کاهش دهد.

اقتصاد مقاومتی دارای یک بعد داخلی و یک بعد بین المللی است. اقتصاد مقاومتی به معنای اقتصاد منزوی نیست، بلکه یک اقتصاد مستقل است. در شرایط وابستگی متقابل پیچیده و در هم تنیدگی منافع کشورها بعد بین المللی اقتصاد مقاومتی نیز به این مساله اشاره می کند، بدین معنا که ایجاد وابستگی متقابل بین اقتصاد کشور با اقتصاد سایر کشورها. از اینرو جمهوری اسلامی ایران باید به منظور حفظ رونق اقتصادی کشور و همچنین بالا بردن ضریب امنیت سیاسی کشور به اتخاذ موضعی که مبتنی بر همکاری بین المللی است اقدام کند. در این راستا بهره گیری مناسب از دیپلماسی اقتصادی در چانه زنی های بین المللی ضمن پرهیز از در معرض قرار دادن نقاط ضعف کشور توصیه می شود.

نتیجه گیری

عصر پرچالش کنونی که برای جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌ها و دشواری‌های فراوان و ویژه‌ای را نیز به دنبال داشته است، نظام اقتصادی کشور را لاجرم به اتخاذ یک نظام اقتصاد متناسب با این تحولات و چالش‌های خاص فرا می‌خواند. در واقع حیات نظام اقتصادی کشور در گرو مقاومتی علیه آماج حملات اقتصادی و سیاسی است که علاوه بر کارآمدی در اداره معیشت جامعه، بتواند حضور فعال جمهوری اسلامی ایران را به عنوان الگو و الهام بخش در تحولات جهان میسر سازد. اقتصاد مقاومتی حرکتی انفعالی نیست، بلکه سلب و ایجاب را با هم دارد. اقتصاد مقاومتی به معنای آمادگی روحی و عملی برای مقاومت در برابر حملات اقتصادی دشمن و پاسخ به آن در کوتاه مدت و حرکت به سمت طراحی الگوی اقتصادی اسلامی در چهارچوب الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در دراز مدت است. اقتصاد مقاومتی مختص زمان تحریم و جنگ نیست، بلکه یک چشم انداز بلندمدت پیش روی اقتصاد ایران است، زیرا اقتصاد ایران در سایه تفکر جمهوری اسلامی ایران همیشه آماج حملات دشمنان خواهد بود. اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی نیست، بلکه مفهوم شکوفایی اقتصاد و رفع مشکلات موجود در زیر بخش‌های اقتصادی برای جلوگیری از امتیازدهی به دشمنان و بهبود سطح رفاه عموم مردم است. بدیهی است که در این راه که بسیار جدی و با چالش‌های زیاد همراه خواهد بود کشورهای امپریالیسم سنگ‌اندازی‌های فراوانی خواهند کرد ولی ایران اسلامی با داشتن رهبری اندیشمند و فرزانه و آگاه به امور گذشته، حال و آینده حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای خواهد توانست از این دالان‌های پر پیچ و خم عبور نموده و به روشنایی و آینده درخشان دست پیدا کند

منابع و مراجع

- [۱] اسدی، علی، نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره پنجم، صفحات ۳۹-۲۵، ۱۳۹۳.
- [۲] ارجمندی، جواد، موانع تحقق اقتصاد مقاومتی، پژوهش های اجتماعی اسلامی، سال بیست و یکم، شماره سوم، ۲۳۸-۱۳۸۶.
- [۳] امینی، آرمین و سهراب انعامی علمداری، دیپلماسی و اقتصاد، الگوی مناسب جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۱۳۸۴-۱۳۷۶، «فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۸، پاییز، ۱۳۸۴.
- [۴] بهکیش، محمد، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.
- [۵] پوراحمدی، حسین، جمهوری اسلامی ایران و تعامل با نظام اقتصادی جهانی: توسعه و ضرورت اصلاحات اقتصادی سیاسی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال اول، شماره دوم، زمستان، ۱۳۸۲.
- [۶] پیغامی، عادل، اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دفاعی یا ترمیمی، ۱۳۹۱.
- [۷] تراب زاده جهرمی، محمدصادق، سجادیه، سید علیرضا و سمیعی نصب، مصطفی، بررسی ابعاد و مولفه های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۲، صفحات ۳۶-۳۱، ۱۳۹۲.
- [۸] کیانی، مهرداد، دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، فصلنامه علوم سیاسی: مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۱، پاییز، ۱۳۸۹.
- [۹] سیف، الله مراد، الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره ۱۶، صفحات ۲۲-۵، ۱۳۹۱.
- [۱۰] عادل، سیدمحمدحسین، رویکرد نوین در تأمین پایداری قدرت و امنیت ملی، مجله روند اقتصادی (دیپلماسی اقتصادی)، شماره ۲، ۱۳۸۲.
- [۱۱] طباطبایی، سیدعلی، بایسته های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۵، پاییز، ۱۳۸۸.
- [۱۲] معاونت سیاست خارجی و روابط بین الملل، ۱۳۸۲.
- [۱۳] سایت رهبری، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیات دولت ۱۳۹۱/۶/۲.
- [۱۴] سایت ریاست جمهوری، ۱۳۸۷.
- [15] Briguglio Lino, Cordina Gordon, Farrugia Nadia, and Vella Stephanie, "Economic Vulnerability and Resilience, Concepts and Measurements", United Nations University, UNU-WIDER, World Institute for Development Economics Research, Research Paper No. 2008/55, 2010.
- [16] Kapur, Ishan, External Borrowing by the Baltics, Russia, and other countries of former Soviet Union, 2008.
- [17] Ficenecc, Sarah V, "Regional Economic Resilience: What Can We Learn from Other Fields?" George Washington Institute of Public Policy, December, 2010.
- [18] McInroy, Neil, Longlands, Sarah, "Productive local economies: creating resilient places", Centre for Local Economic Strategies, 2010.